گزارش جیبی

درباره اسرارآمیزترین مکان حرم مطهر چه می‌دانید؟

موزه‌ای میان دیوارهای مخفی

موزه حرم مطهر رضوی - سال ۱۳۳۰ خورشیدی

هما سعادتمند

اسرارآمیزترین مکان حرم از گذشته تا امروز، خزانه حرم مطهر رضوی است که اطلاعات دقیقی از آن در دست نیست. در این خزانه می‌توان همه هدایا و نذورات ارزشمند از انواع جواهرات، سنگ‌های قیمتی، هنرهای دستی و صنعتی، کتاب‌های خطی تا نایاب‌ترین اشیا را که ذهن از تصور آن عاجز است، به تماشا نشست. یک موزه بی‌انتها از تاریخی مهم در دورانی که هنوز موزه‌ها ایجاد نشده بودند. توصیف این گنجینه را که قدمت آن پهلو به دوره تاجداری صفویان در ایران می‌زند، تنها می‌توان در شرح خاطرات رجال عالی‌مقام آستانه دید.

اتاق گنج‌ها

جالب است بدانید در دوره صفوی که هنوز حرم و حریم آن تا این اندازه گسترش نیافته و حدود آن به اندازه بقعه مطهر و یک صحن بود، یک اتاق ساده می‌سازند تا در آن از نذورات و هدایایی که مردم بلاد مختلف یا رجال درباری تقدیم آستان مقدس رضوی می‌کرده‌اند، نگهداری شود. این اتاق ابتدا جایی داخل روضه منوره بوده اما چند مرتبه مکان آن تغییر می‌کند و در دوره‌هایی نیز جز مقامات بلندمرتبه آستانه، کسی از نشانی آن اطلاعی نداشته است؛ زیرا با گسترش فضای حرم و آمد و شد بیشتر زائران، آن قدر بر تعداد هدایا افزوده می‌شود که نگهداشتن آن در یک مکان کوچک امکان‌پذیر نبوده است.

دلیل دیگرِ تغییر مکان خزانه و مخفی نگهداشتن مکان آن، ترس از دستبرد و تعدی به آن در وقت هجوم دشمنان بوده که البته ترسی بجاست زیرا که حرم مطهر امام رضا(ع) و خزانه آن در دوره قاجار، دو نوبت مورد دستبرد قرار می‌گیرد و اغلب اشیای ارزشمند آن به یغما می‌رود. نخستین این غارتگری در دوره محمدشاه قاجار رخ می‌دهد. در این واقعه، وقتی حسن خان معروف به سالار، فرزند ا... یارخان آصف‌الدوله به جای پدرش به حکومت خراسان منصوب می‌شود، علیه حکومت مرکزی می‌شورد. شورش او تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه ادامه می‌یابد و سالار برای تأمین مخارج سپاه خود، اموال و خزانه حرم مطهر را به یغما می‌برد. مرتبه دوم این دستبرد را می‌توان در تاریخ هجوم روس‌ها به حرم دید.

ایجاد خزانه حرم

مرحوم عزیزا... عطاردی در کتاب «تاریخ آستان قدس رضوی» می‌نویسد: «خزانه در لغت به جایی می‌گویند که اشیای گران‌بها یی در آنجا به طور محرمانه نگهداری می‌شوند. آنجا همواره مستور و محفوظ و تحت نظارت شدید امنیتی است. خزانه امام رضا(ع) یک واحد مستقل است و تحت نظر اشخاصی که مورد اعتماد مقامات آستان قدس هستند، اداره می‌گردد. خزانه امام رضا(ع) یادگاری از قرون گذشته است، زیرا دوستداران و علاقه‌مندان حضرت از هر طبقه و صنفی که بوده‌اند، هنگام تشرف به آستانه مبارکه آنچه را که دوست داشته‌اند، به بارگاه ملکوتی آن بزرگوار هدیه کرده‌اند.»

او ادامه می‌دهد: «مکان خزانه امام(ع) در طول تاریخ همواره در تغییر و تحول بوده و برای اینکه از دستبرد غارتگران مصون بماند، آن را در لای دیوارهای قطور و یا زیر زمین اما کن متبرکه جای می‌دادند؛ زیرا هرگاه دشمنی به مشهد مقدس حمله می‌کرده، نخستین جایی که به سراغش می‌رفته، خزانه حرم مطهر بوده است.» مرحوم مؤتمن هم در نگارش «دایره‌العمارف آستانه» وقتی به توضیح خزانه می‌رسد، چنین گزارش می‌دهد: «در دستگاه آستانه خزانه به محل نگهداری منقولات و اشیای نفیسه آستانه گفته می‌شود. خزانه آستانه همیشه در نقاط نسبتا محفوظ و مضبوط در داخل عمارات و رواق‌های اطراف حرم مطهر قرار داشته ولی متجاوز از یکصد سال هم در محلی بین دارالسیاده و دارالحفاظ که مدخل آن از صفه غربی دارالحفاظ باز می‌شود، واقع بوده است که در آن قسمتی از جواهرات و زینت آلات و اشیای پرقیمت مانند بعضی شمشیرهای مرصع و یا ادوات جواهرنشان دیگر که تقدیمی سلاطین و رجال بلندپایه بوده، نگهداری می‌شده است.»

مؤتمن که این گزارش را در دهه ۴۰ خورشیدی قرن گذشته تنظیم کرده است، می‌نویسد: «در سال ۱۳۱۵ خورشیدی خزانه را از محلی که در دالحفاظ بود، به حجره‌های فوقانی صحن جدید کنار دارالضیافه و چند حجره از حجرات فوقانی صحن عتیق که متصل به یکدیگر است، منتقل کرده و تاکنون که سال ۱۳۴۷ خورشیدی است، همچنان در همین مکان قرار دارد.» برابر آنچه او نوشته در همین دوران آستانه تصمیم می‌گیرد همه اشیای خزانه را در دفاتری فهرست کند. در این فهرست که در نهایت هفت دفتر می‌شود، می‌توان موضوعاتی مانند دفتر طلا، شمش و سکه، دفتر نقره، دفتر مس، برنج و ورشوجات، قالی و قالیچه و صنایع دستی را دید.

نخستین خزانه‌دارها

اما وجود خزانه سبب ایجاد مشاغلی در آستانه می‌شود که خازن یا خزانه‌دار، صاحب جمع خزانه، تحویل‌دار خزانه و کلیددار خزانه از جمله آن‌هاست که نامشان در اسناد برجای مانده از آن دوران سیاهه شده است. برای نمونه، قدیمی‌ترین سند با این موضوع، مربوط به سال ۱۰۰۰ هجری قمری است که در آن، نام «خواجه قاسمعلی» را با پسوند «خزانه‌دار» آورده است. وی که گویا نخستین خزانه‌دار دوره صفوی است، بین سال‌های ۱۰۰۱ تا ۱۰۳۴ قمری، این مسئولیت را برعهده داشته و از وی به عنوان صاحب جمع خزانه نیز یاد شده است. از دیگر خازنان این دوره می‌توان به افرادی چون غیاث‌الدین محمد، حاجی نهال، خواجه محمد امین، حاجی محمدرضا، آقا کافور، معصوم‌علی‌بیک، محمدعلی آقا، خواجه محمدرحیم، میرزا محمدابراهیم و حاجی جمشیدبیک اشاره کرد. در دوره افشاری نیز شغل خازنی از مشاغل مهم محسوب می‌شده و همان وظایف ذکر شده را انجام می‌داده است. خزانه‌داران حرم مطهر در این دوره میرزا سید محمدحسن، آقا عبدا...، میرزا عسکری، حاجی میرزا جعفر، میرزا محمدوشاه‌وردی‌بیک بودند. در دوره قاجار می‌توان از خازنانی، چون میرزا حسن رضوی، میرزا سید محمدبن شمس‌الدین رضوی، میرزا آقا (فرزند میرزا سید محمد)، حسین علی، خلیل ا... و آقابزرگ رضوی نام برد، اما به تدریج از سال ۱۳۰۱ قمری، واژه «خازنی» کمتر در اسناد دیده می‌شود. درواقع در این زمان، وظایف خازن به تحویل‌دار سپرده می‌شود؛ چنانچه میرزا ابوالحسن رضوی و فرزندان وی که لقب خازن التولیه آستانه را داشتند، به عنوان تحویل‌دار خاصه و تحویل‌دار خزانه در این دستگاه مشغول به کار بوده‌اند. در اواخر دوره قاجار، محمدهاشم میرزا موسوی، فرزند محمدتقی میرزا، با لقب معین التولیه دارای مشاغلی چون رئیس خزانه و تحویلخانه و معین آستانه بوده است.

از خزانه تا موزه

این تغییرات در دوره پهلوی اول با تلفیق اداره خزانه و موزه رسم و سیاقی دیگرگونه می‌یابد؛ آن چنان که بخشی از اشیای عتیقه را که در خزانه نگهداری می‌شده است، برای نمایش عمومی به موزه منتقل می‌کنند. در این دوره همچنین طلا و فلزات قیمتی بی‌قدمت یا کم‌قدمت را ذوب می‌کنند تا با طلای آن، خرابی‌های ضریح، گنبد و گلدسته‌ها را تعمیر کنند.

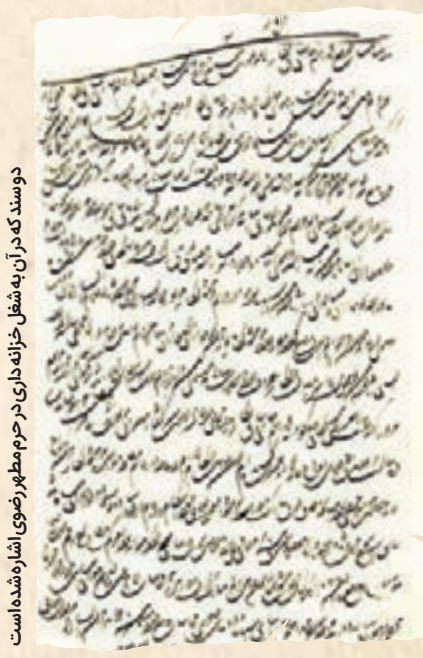

دو سند که در آن به شغل خزانه‌داری در حرم مطهر رضوی اشاره شده است

گفت‌وگو با بیتا بابلیان، پژوهشگر و طراح موزه

مردم را با موزه‌ها آشتی دهیم

عکس: محسن بخشنده شهرآرا

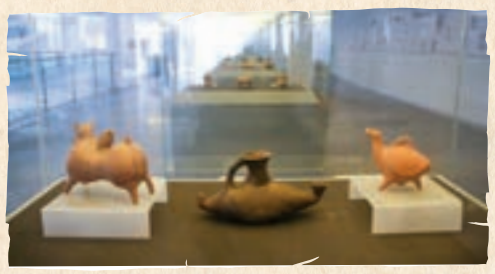

لیلا کوچک زاده

موزه‌ها خطی ارتباطی میان ما و تاریخ اندیشه زیسته‌مان می‌سازند و متخصصان و فعالان این حوزه تلاش می‌کنند در جمع‌آوری، نگهداری و حفظ و ارائه میراث انسانی و طبیعی به جامعه بکوشند و بستری فراهم آورند تا در آن و از طریق آن، اندیشیدن و آگاهی میسرتر شود. رویکردهای نوین در موزه‌های جهان، امروزه بیشتر به سوی رفتارهای مشارکتی پیش رفته است؛ بدین گونه که فضایی را مهیا کنند تا روایتگری تنها منحصر به خوانش و بازخوانی تاریخ از طریق اشیا، آن هم با اتکا به داده‌های محدود نباشد و مخاطب را در فعالیتی دوسویه و تعاملی شرکت می‌دهند و این گونه به روایت‌های فردی مخاطبان نیز اعتباری بیش از پیش می‌بخشند. با این توضیح و به مناسبت روز جهانی موزه، به گپ و گفت با بیتا بابلیان، پژوهشگر، طراح و سناریوپرداز موزه در ایران که تاکنون پروژه ساخت ۱۲ موزه را در شرق کشور هدایت و راه‌اندازی کرده است، پرداختیم. او رشته ارتباط تصویری را در دانشگاه هنر تهران خوانده، سپس تحصیلات خود را در رشته انسان‌شناسی دیداری (بصری) در دانشگاه برلین دامه داده است و اکنون در حوزه‌های میان‌رشته‌ای علوم انسانی فعالیت می‌کند. از او درباره ظرفیت مشهد برای احداث موزه‌ها پرسیدیم و اینکه موزه‌های معاصر جهان با چه نگرشی در حال فعالیت هستند و چطور با مخاطب خود ارتباط برقرار می‌کنند؛ و آیا این نگرش در موزه‌های ایران هم قابل اجراست یا خیر.

موضوع‌هایی که بتواند بستری برای پرورش محتوای موزه‌ها باشد، بی‌پایان است

«به میزانی که افراد اجتماع انسانی بتوانند درباره وجود خودشان و نحوه تعاملشان با محیط و اجتماع و نیز پیشینه این تعامل بیندیشند و عمیق شوند، موضوع برای راه‌اندازی موزه‌ها وجود دارد. این گونه است که در کشوری مانند آلمان با جمعیتی برابر ایرانمان، بالغ بر ده برابر موزه ساخته شده است، چیزی نزدیک به ۷ هزار موزه، یا کشور آمریکا با تاریخ مکتوب و سابقه شهرنشینی حدود دویست ساله خود، بیش از ۳۰ هزار موزه دارد.» بابلیان ضمن بیان این گفته‌ها ادامه می‌دهد: ما می‌توانیم برای پرداختن و گسترش هر موضوع و پرسشی، به شکل‌دهی موزه در رابطه با آن بپردازیم؛ زیرا موزه‌ها واحدهای فرهنگی و علمی‌ای هستند که با اندیشه‌ای ژرف می‌توانند به یک محتوا به صورت تخصصی بپردازند؛ به ویژه در سرزمینمان ایران و در این حوزه فرهنگی غنی یعنی خراسان که بخشی از خراسان تاریخی بزرگ است. البته نمی‌توان نادیده گرفت که در برهه‌هایی، دغدغه راه‌اندازی موزه‌های متنوع و استاندارد وجود داشته ولی افسوس که این گونه پروژه‌ها یا در نطفه عقیم مانده یا بسیار سطحی با آن‌ها برخورد شده است. او تأکید می‌کند: برای مثال، مشهد به موزه هنرهای معاصر نیاز دارد. خراسان قطب ادبیات ایران است؛ مرکزی فعال در زمینه عکاسی و تئاتر. مکتب عرفان خراسانی در جهان مطرح است. سبک معماری خراسان، مکتب خوش‌نویسی منطقه، تاریخچه علمی‌اش، حکیمانش و صنعتگرانش، راه‌های تاریخی تجاری‌اش... و این لیست که می‌تواند ادامه یابد، موضوعات بسیار مهمی هستند که به آن‌ها پرداخته نشده است. این حوزه فرهنگی به شکل‌دهی موزه‌های تخصصی در حوزه اقوام و مهاجران نیازمند است؛ موضوعاتی که زیست معاصر این جامعه به آن گره خورده و نیازمند پرداختن جدی‌تری است.

موزه‌ها تاریخ را از پوشیدگی خارج می‌کنند

این پژوهشگر درباره لزوم احداث موزه‌ها در شهرستان‌های کوچک با این فرض که موزه‌ها بخشی از آنچه را به فراموشی سپرده شده است، از پوشیدگی خارج می‌سازند، می‌گوید: متأسفانه در طول سده‌ها، مسائل اقتصادی و خشک‌سالی و قحطی باعث شده است مردم محیط‌های بومی زیستی خود را ترک و به شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت کنند؛ به طوری که مناطق زیستی تاریخی ما با مهاجرت مردم در حال نابودی و ویرانی است. از آنجا که مردم با مهاجرت‌های این چنینی حافظه خود را هم درباره پیشینه بافت تاریخی زیسته خود از دست می‌دهند، مستندات این سکونتگاه‌ها با همه پیشینه تاریخی‌شان کم‌کم به دست فراموشی سپرده می‌شود و از بین می‌رود. تغییر ارزش‌ها و مصرف‌گرایی معاصر نیز به تمایل نداشتن در حفظ این تاریخ و اسنادش دامن می‌زند و اگر برای مستندنگاری و جمع‌آوری داده‌ها و آثار این مردمان و ارائه مجدد آن، موزه‌هایی تعریف نشود و میراث ملموس و ناملموس آن‌ها به این شکل حفظ نشود و وارد روند بازخوانی از سوی مردمان نگردد، تاریخ آن قوم یا محیط زیستشان و همه آنچه در نسل‌ها اندیشه و تولید کرده‌اند، از حافظه دو نسل بعدش خواهد رفت.

موزه‌ها از حالت مقدس بودن خارج می‌شوند

موضوع بعدی که با بابلیان به آن می‌پردازد، نگرش حاکم بر موزه‌های معاصر جهان است. اینکه چطور با مخاطب خود ارتباط برقرار می‌کنند. او در این باره توضیح می‌دهد: بیش از نیم قرن است که در موزه‌های جهان رویکردی در حال رشد است که تلاش می‌کند فاصله ما بین اثر فاخر و مخاطب را کاهش دهد و در حقیقت به برابری ارزش‌ها پرداخته شود. این فاصله را قواعدی مانند حفظ سکوت در محیط نمایش آثار، فاصله فیزیکی با عناصر ارائه شده و تأکید بر شکوه در معماری موزه‌ها ایجاد می‌کرد و به موزه‌ها شکلی از مکانی مقدس می‌داد که گویی باید در آن‌ها به شکلی آیینی حرکت می‌کردی و نسبت به عناصرش، رفتاری با مناسکی خاص داشتی که بر جایگاه والای آثار موزه‌ای صحه می‌گذاشت که به گونه‌ای یادآور منش در کلیساها و معابد و مکان‌های مقدس بود. این نگرش البته هنوز هم در موزه‌های ایران وجود دارد. این فاصله حتی با کشیده شدن نوار حایل یا ویترین‌بندی که دائم به اطمینان نداشتن به مخاطبان تأکید می‌کند، پررنگ‌تر می‌شود و اجازه نمی‌دهد به شکلی واقعی‌تر به آن اثر نزدیک شویم و ارتباط فعالانه‌ای برقرار کنیم که به سکون و عدم امکان تعامل حقیقی‌تر با عناصر می‌انجامد؛ رویکردی که به دوری مخاطب و عدم آشتی او با موزه‌ها انجامیده است و در واقع هدف اصلی موزه را خنثی می‌کند. او ادامه می‌دهد: موزه‌های معاصر جهان، با تغییر نگرش نسبت به ایستایی موزه، دیگر روایت‌گویی صرف از طریق شیء ندارند. تکنولوژی و مولتی‌مدیا وارد موزه‌ها شده است و مرز متن مکتوب یا شیءگرایی که ما در گذشته به آن ارزش تاریخی و هنری می‌دادیم، برداشته شده و ممکن است یک فایل صوتی یا لحن و استفاده از نور، دیتایی باشد که از طریق آن محتوا در موزه انتقال یابد. تغییر دیدگاه در رابطه با ارزش اسناد غیرمکتوب نیز به این رویکردهای نوین کمک کرده و امکان حضور و جایگاه تصویر، انیمیشن، فیلم مستند، ویدئوآرت‌ها و پرفورمنس‌ها را در موزه‌ها به رسمیت شناخته و به پویایی و زنده شدن فضای موزه‌ها و نیز رفع فاصله مخاطب با آثار کمکی شایان کرده است. امروزه طراحان حرکت حتی با اجراهای خود در فضاهای موزه‌ای مفهوم زمان‌بندی در آثار و محتوای قابل ارائه در موزه را در موزه‌های معاصر جهان به چالش کشیده‌اند. او موزه دفاع مقدس تهران را که بعد از انقلاب با تکنولوژی روز ساخته شده است و به بازنمایی صحنه بمباران در جنگ تحمیلی می‌پردازد، یکی از پروژه‌های عظیم منطبق بر دیدگاه‌های معاصر به موزه می‌داند و در توضیح می‌گوید: این موزه هم مبتنی بر شیء نیست و به فضاسازی و اتمسفری که در این فضا شکل می‌گیرد، پرداخته است؛ مثلا در بخشی از این موزه در جایگاهی قرار می‌گیری و میزان لرزش و موج صدا را با تصویر می‌بینی. در بخشی دیگر وارد بازار خرمشهر در دل جنگ می‌شوی. مجری و طراح موزه دانشگاه فردوسی به ویژگی‌های همین موزه که در سال ۱۳۹۷ افتتاح و موزه برتر دانشگاهی کشور شد، اشاره می‌کند و می‌گوید: این موزه با متد روزکار شده است و نگاهش، شیءمحور نیست. می‌توانید جست و جو کنید؛ از مولتی‌مدیا استفاده شده است. کلیت آثار هم داستان‌پردازی خوبی دارند. به گفته او قدرت طراحی موزه در جلب مخاطبش مؤثر است و مخاطب از برخورد با یک ایده جدید لذت می‌برد.

بیتا بابلیان:
بیش از نیم قرن است که در موزه‌های جهان رویکردی در حال رشد است که تلاش می‌کند فاصله ما بین اثر فاخر و مخاطب را کاهش دهد و در حقیقت به برابری ارزش‌ها پرداخته شود

گسترش موزه‌های آنلاین

این سناریوپرداز از موزه به موزه‌های آنلاین هم اشاره می‌کند که راه‌اندازی آن‌ها با همه‌گیری کرونا قوت بیشتری گرفت. بابلیان می‌افزاید: حتی پیش از همه‌گیری کرونا، دنیا داشت به سمت موزه‌های آنلاین حرکت می‌کرد. مثل انقلابی که در سیستم آموزشی جهان شکل گرفت، موزه‌ها نیز بخشی از داده‌هایشان را به صورت آنلاین در دسترس گذاشتند و حتی مخاطبان می‌توانستند به رایگان در موزه گردش کنند. موزه ملی ایران و موزه ملک هم پروژه آنلاینشان شکل گرفته است.

تناسب مدیا با محتوا

امانگاه نوحاکم به موزه‌های معاصر آیا صرفا به معنای به کارگرفتن تکنولوژی در آن موزه است؟ بابلیان در این باره نیز می‌گوید: ما باید بدانیم کجا، در چه نقطه‌ای و از کدام مدیوم و فناوری، برای چه روایتی استفاده می‌کنیم؛ مثلا من در منطقه گناباد که سکوت و آرامش و رنگ‌های آرام بر محیطش حاکم است، با برداشت از همه این‌ها باید به طرحی برای اجرای موزه برسم؛ یعنی از نحوه روایت در موزه، پیوستاری خاص همان بافت به وجود بیاورم. بنابراین در موزه‌های معاصر هم صرفا به کارگرفتن فناوری نمی‌تواند پاسخ مثبتی بدهد.

این پژوهشگر در ادامه صحبت خود به موزه‌هایی که مجری و طراحشان در شهرهای مختلف استان خراسان بوده و ویژگی‌های موزه‌های معاصر جهان را در خود جای داده‌اند، اشاره می‌کند: پیش از اجرای موزه، آن شهر را از دید تاریخی، اجتماعی و طبیعی مطالعه کردیم، پتانسیل‌هایشان را در نظر گرفتیم و به این عنصر که چه ویژگی‌ای می‌توانند برای مخاطب بومی و داخلی و خارجی جذاب باشد، توجه کردیم و همان را بستر پروژه قرار دادیم؛ سپس ابنیه تاریخی مناسب مثل آب‌انبار، کاروان‌سرا و خانه تاریخی را بررسی و در هر شهر، یک فضا را پیشنهاد کردیم. بعد آن فضا برای راه‌اندازی موزه، مرمت و بازنگری و مناسب‌سازی شد.

او ادامه می‌دهد: برای نمونه خانه موزه قرایی در رشتخوار به زندگی یک خان و ارتباطاتش با مردم آن منطقه می‌پردازد، یا خانه موزه استاد مطهری در فریمان که خانه پدری ایشان است، گرچه زیربنای کمی دارد، پردازش محتوای خوبی در آن انجام شده است. این خانه موزه آرشیو دیجیتال دارد که همه داده‌ها و اسناد را می‌توان براساس آن جست‌وجو کرد.

نمایی از موزه بزرگ خراسان در کوهسنگی

نمایی از موزه باغ نادری در چهارراه شهدا